

پژ و هش

انقلاب و وضعیت اقلیت یهود در ایران بعد از انقلاب 1979 میلادی

4 سپتامبر 2023

دکتر حسام کصای

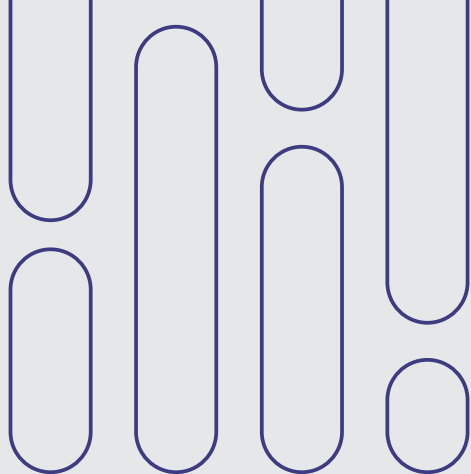
مدیر گروه اندیشه سیاسی در دانشکده علوم سیاسی - دانشگاه تکریت

دکتر وداد بنت عبد الرحمن الجروان القرني

استادیار جامعه شناسی سیاسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی -
دانشگاه ملک سعود



RASANA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- 3 مقدمه
- 4 اول: پیشینه های تاریخی حضور یهودیان در ایران
- دوم: اقلیت یهودی در ایران و فراز و نشیب رابطه ایران
با اسرائیل 7
- سوم: بحران اقلیت یهود در سایه ولایت فقیه میان
پذیرش، سرکوب و استفاده ابزاری 11
- برآیند 16

بعد از انقلاب سال ۱۹۷۹ میلادی در ایران که قدرت به دست روحانیون افتاد، اقلیت یهودی در این کشور خود را در وضعیت پیچیده ای یافتند. زیرا در سایه گفتمان انقلابی که از ابتدای دهه چهل اوج گرفت، و با اعلام موجودیت کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ همزمان شد، احساسات ضد صهیونیستی در میان اکثر مردم ایران نیز بالاگرفت. در نتیجه، ایران که قبلا یک نظام سکولار و غرب گرا و همپیمان اسرائیل بود، اکنون به یک نظام دینی و مخالف امپریالیسم و صهیونیسم بدل شده بود. علاوه بر آن، این نظام در داخل یک رویکرد طردگرایانه را در پیش گرفته بود که با اقلیت ها نیز سر سازش نداشت. هرچند که در میان همه اقلیت های قومی و مذهبی، اقلیت یهودی چندان روزگار سختی را در سایه نظام تازه تجربه نکردند، اما با این همه باید گفت عرصه بر آنان در یکی از کهن ترین سرزمین هایی که در آنجا زندگی کرده بودند، تنگ شد. و اکثر آنان که بیش از ۲۷۰۰ سال در سرزمین فارس زندگی کرده بودند، دیگر آنجا را برای زندگی مناسب ندیدند. بیشتر آنان ایران را ترک گفتند و آنان که در کشور ماندند، از بیم از دست دادن منافع و برای پاسداری از میراث دینی و فرهنگی، لاجرم در فعالیتهای خود پا را از چارچوب محدودیت ها فراتر نگذاشتند.

این پژوهش به این مسأله می پردازد که از زمان روی کار آمدن نظام ولایت فقیه در سال ۱۹۷۹ میلادی، وضعیت اقلیت یهود در ایران بدتر شد. علی رغم اینکه این اقلیت از برخی امتیازات برخوردار است اما نظام صرفا برای ترمیم وجهه خود و کاهش انتقادات حقوقی و نیز کاهش فشارهای غربی و اسرائیل، این اقلیت را پذیرفته است. این پژوهش در صدد است برای پرداختن به این بحث، به چندین سؤال پاسخ دهد که عبارتند از: « سابقه وجود یهودیان در ایران قبل از انقلاب و نیز شرایط آنان بعد از انقلاب چیست؟ با روی کار آمدن نظام ولایت فقیه در سال ۱۹۷۹ میلادی، درگیری میان ایران و اسرائیل چه تأثیری بر وضعیت اقلیت یهود گذاشت؟ نظام ایران تا چه اندازه ای از اقلیت یهود در چارچوب رویارویی با غرب و اسرائیل، استفاده ابزاری کرده است؟

اول: پیشینه های تاریخی حضور یهودیان در ایران

اولین مهاجرت یهودیان به سرزمین فارس به سال ۷۴۱ قبل از میلاد باز می گردد؛ آن زمان که تیگلات - پیلسر پادشاه آشور شهر قدس را تصرف کرد. او شهر را ویران کرد و ساکنان شهر را اسیر کرد و به آشور و سپس به سرزمین فارس تبعید کرد. اما مهاجرت دوم یهودیان به سال ۷۳۳ قبل از میلاد و به دوران شلمنصر پنجم (۷۲۲-۷۲۷ ق.م) پادشاه آشوری مربوط می شود. او قدس را ویران کرد. ساکنان آنجا را به قتل رساند و اسیران را به سوی رودخانه خابور در شمال عراق منتقل کرد. آنان در سواحل دریای خزر یک امپراطوری یهودی تشکیل دادند^(۱). اما مهاجرت سوم، در سال ۵۹۷ قبل از میلاد رخ داد که کلدانیها به رهبری پادشاه نبوکد نصر، شهر قدس را تصرف کردند و به پادشاهی یهودا پایان دادند و هزاران تن از یهودیان را به اسارت گرفتند و به سرزمین بین النهرین (بابل) منتقل کردند و یهودیان از آنجا به سرزمین فارس منتقل شدند.

یهودیان با گذشت زمان اندک ندک در جامعه بابل نفوذ کردند و در دربار به مقامات بالایی رسیدند. شعایر دینی خود را انجام دادند و در بابل «تلمود بابلی» را نوشتند. در دوره بابلی، چندین پیامبر در میان آنان ظهور کرد؛ ذوالکفل یکی از آن پیامبران است که مرقد او تا امروز نیز در این استان باقی مانده است.

یهودیان بابل به کوروش کبیر اولین پادشاه فارس و بنیانگذار سلسله هخامنشیان (۵۶۰-۵۲۹ ق.م) کمک کردند که او بتواند شهر بابل را به تصرف خود درآورد. آنان اطلاعات بسیار مهمی درباره سپاه بابل و نیز دژهای بابل در اختیار کوروش قرار دادند و در نهایت بابل در سال ۵۳۹ قبل از میلاد سقوط کرد. در مقابل خدماتی که یهودیان برای دولت هخامنشی انجام دادند، کوروش به آنان اجازه بازگشت به سرزمین فلسطین داد. اما تعدادی از آنان ترجیح دادند که در سرزمین فارس بمانند^(۲). از این رو، مراکز یهودی

(۱) صفاء محمود عبد العال، یهود ایران في العصر الصفوي، رسالة المشرق، (القاهرة: جامعة القاهرة، مركز الدراسات الشرقية، جلد ۳۴، شماره ۲، مارس ۲۰۱۹)، ص ۲۴۳.

(۲) تي آر تي عربي، خفايا الجالية اليهودية في إيران!، ۱۸ می ۲۰۱۶م، تاریخ بازدید: ۱۶ فوریه ۲۰۲۳م. <http://bit.ly/3S0HuHv>

نشین از بابل به استانها و شهرهای سرزمین فارس مانند همدان، شوش و دیگر شهرها گسترش یافت^(۱). یهودیان که تعداد آنها به چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر از بنی اسرائیل می رسید، اجازه یافتند که معبدی در بیت المقدس برای خود بنا کنند. کوروش در دل مردم یهود جای داشت و اکثر پادشاهان فارس در تعامل با یهودیان همان شیوه او را در پیش گرفتند. یهودیان که جایگاهشان در سرزمین فارس ارتقا یافته بود، به مقامات عالیه نیز دست یافتند. رابطه یهودیان با مردم سرزمین فارس در دوران شاپور (۳۱۰-۳۷۹ ق.م) تقویت شد و آنان هدایایی به حاکمان تقدیم می کردند. رابطه آنان با مردم فارس آن قدر عمیق شد که در دوران خسرو یکم، آنان در جنگها نیز در کنار مردم فارس شرکت می کردند^(۲).

یهودیان در دوره سلسله ساسانی (۲۲۶-۶۴۲ م) در سرزمین فارس رشد کردند و در چندین ناحیه این سرزمین مستقر شدند. اما آنها هر از چند گاهی مورد ستم واقع می شدند. با حمله مسلمانان عرب به سرزمین فارس در سال ۶۴۲ میلادی که به امپراطوری فارس پایان داد، اسلام دین کشور شد و این مسأله تأثیر عمیقی در وضعیت یهود گذاشت؛ زیرا برخی از آنان به خاطر شرایط اقتصادی و اجتماعی به دین اسلام گرویدند. اما در این دوره از حقوق و آزادیهای گسترده ای برخوردار بودند.

اما با روی کار آمدن سلسله صفویان (۱۵۰۱-۱۷۲۲ م) اوضاع اقلیت یهود کاملا دگرگون شد و همچون سایر اقلیت های سرزمین فارس، آنان نیز مورد ستم قرار گرفتند و در جریان کارزاری که حکومت صفوی برای شیعه کردن ایران دنبال می کرد، آنان نیز به تغییر دین وادار شدند. البته دوران شاه عباس از این امر مستثنا است؛ زیرا در دوران او سختگیری بر یهودیان به شکل موقت متوقف شد.

در طول قرن نوزدهم، یهود همچنان از ستم و تبعیض رنج می برند. اما در اواخر دوران قاجار آنان از برخی امتیازات برخوردار شدند و در پارلمان ۱۹۰۷ میلادی نماینده داشتند. زمانیکه بریتانیا در سال ۱۹۱۷ میلادی ایران را اشغال کرد، اقلیت یهود را مورد حمایت قرار داد. و با قدرت گرفتن

(۱) مأمون کیوان، اليهود في إيران، (بیروت: دار بیسان للنشر، ۲۰۰۰ م)، ص ۲۱.

(۲) صفاء محمود عبد العال، یهود ایران في العصر الصفوي، همان، ص ۲۴۴.

صهیونیسم جهانی نقش یهودیان در ایران نیز پر رنگ شد. در نتیجه، آنان انجمن «پاسداشت زبان نیاکان» را تأسیس کردند که فعالیت صهیونیستی محض داشت. و در سال ۱۹۱۸ میلادی، «تشکیلات صهیونیستی یهودیان ایران» تأسیس شد و در شهرهای ایران شعبه‌هایی دایر کرد. در سال ۱۹۱۹ میلادی اولین کنگره یهود ایران در تهران برگزار شد و عزیز الله نعیم ریاست تمام تشکیلات صهیونیستی در ایران را بر عهده گرفت. جریان صهیونیسم در ایران فعالیت‌های خود را روی دست گرفت و انجمن‌های صهیونیستی تأسیس شد که تاثیر زیادی در جایگاه اقلیت یهودی در ایران داشت. این انجمنها برای نهادهای صهیونیستی هدایا و کمک جمع آوری می کردند تا صرف خرید زمین در فلسطین شود. علاوه بر آن، به ترویج زبان و ادبیات عبری، تهیه و توزیع نشریه و مجلات تبلیغی نیز می پرداختند. به عنوان مثال، نشریه هگولا (رهایی) در تهران به زبان فارسی منتشر شد. در سال ۱۹۱۸ میلادی اولین و مهمترین کتاب آموزش زبان عبری در تهران به چاپ رسید^(۱). علاوه بر آن، نشریه یهودی دیگری بنام «سینا» که تریبون جریان صهیونیسم بود، در تهران انتشار یافت^(۲). در سال ۱۹۱۴ میلادی انجمن آموزش زبان عبری در همدان تأسیس شد و در همان سال اولین انجمن صهیونیسم ایران تأسیس شد و روزنامه صهیونیستی «شالوم» به زبان فارسی و با حروف عبری منتشر شد^(۳). و بی تردید، رویکردهای حکومت در افزایش این فعالیت صهیونیستی یهودی بی تاثیر نبود.

بعد از به قدرت رسیدن رضا شاه در سال ۱۹۲۵ میلادی تا پایان دوره حکومت خاندان پهلوی در سال ۱۹۷۹ میلادی، ایران یک رویکرد سکولار و غرب گرا را دنبال می کرد. این وضعیت به یهود آزادی عمل بیشتری داد آنان توانستند در اقتصاد و فرهنگ نقش مهمی بازی کنند. با شعله ور شدن جنگ دوم جهانی، هزاران پناهنده یهودی از اروپا، عراق و قفقاز راهی ایران شدند و یهودیان و مسیحیان لهستانی ساکن در آسیای میانه آرزو داشتند خود را

(۱) صموئیل اتینجر، اليهود في البلدان الإسلامية (۱۸۵۰-۱۹۵۰)، ترجمه: دکتر جمال أحمد الرفاعي، (الکویت: سلسله عالم المعرفة (۱۹۷)، ۱۹۹۵م)، ص ۱۱۹-۱۲۰.

(۲) نذیر فنصه، طهران مصير الغرب في عهد الشاه إلى جمهورية آيات الله، (پاریس، ۱۹۸۸م)، ص ۴۵.

(۳) صموئیل اتینجر، اليهود في البلدان الإسلامية، همان، ص ۱۱۶.

به ایران برسانند و از گرسنگی که در اتحادیه جماهیر شوروی بود رهایی یابند؛ زیرا از آغاز جنگ جهانی، ایران اولین کشوری بود که از ویرانی جنگ در امان مانده بود و در نتیجه، موج گرسنگی و بیماری هم به آنجا نرسیده بود. حاییم زئیف هیرشبرگ خام متولد ورشو می گوید: «ایران برای آنان بهشت بود». به طور خلاصه می توان گفت که یهود از مدتها پیش نقش فعالی در زندگی اجتماعی ایران بازی کردند. و اقلیت یهودی هم در مراسم فارسی و هم در مراسم یهودی شرکت می کردند که این امر نشان می دهد آنان به تاریخ خود و نقشی که در فرهنگ ایرانی داشتند، افتخار می کردند. دوران محمد رضا شاه «دوران طلایی» یهودیان فارس بود. هرچند که مردم ایران از سیاستهای داخلی و برخورد سرکوبگرانه شاه با اعتراضات مردمی، ناراضی بودند، اما اصلاحات اقتصادی جزئی شاه به یهودیان فرصت شکوفایی را فراهم ساخت.^(۱)

دوم: اقلیت یهودی در ایران و فراز و نشیب رابطه ایران با اسرائیل

از همان ابتدای اعلام موجودیت اسرائیل، یک ائتلاف قدرتمند میان تهران و تل آویو شکل گرفت؛ چرا که ایران هسته «اتحاد پیرامونی» بود. گفتنی است دیوید بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل در دهه پنجاه و بر اساس دکترین اتحاد پیرامونی این اتحاد را تشکیل داده بود. بر اساس این دکترین، اسرائیل برای حمایت خود در مقابل همسایگان عرب که دشمن اسرائیل بودند، باید با کشورهای غیر عرب منطقه روابط تنگاتنگی برقرار نماید؛ چرا که کشورهای غیر عرب منطقه مانند اسرائیل، ایران، ترکیه و اتیوپی همگی از قدرتهای عرب تأثیرگذار در منطقه بیم داشتند. این امر مقدمه پیدایش اتحاد پیرامونی را فراهم ساخت.

در این چارچوب، ایران و اسرائیل عراق را یک تهدید مشترک می دانستند و این دلیل دیگری برای همکاری این دو کشور شد. در اوایل دهه شصت، اسرائیل از کردهای عراق که با حکومت مرکزی می جنگیدند، حمایت می

(۱) Austin Bodetti, Persian Jews and an Uneasy Peace in the Islamic Republic of Iran, Inside Arabia, (May ۲۰۲۰, ۱۰), accessed on: Feb ۲۰۲۳, ۲۵, <https://bit.ly/۳۶۴NJly>

کرد. ایران نیز کردهای عراق را پاشنه آشیل نظام عراق می دانست. اینگونه بود که موساد و ساواک برای حمایت از کردها در مبارزه علیه حکومت مرکزی عراق، دست در دست هم دادند و همکاری در چندین سطح امنیتی و اطلاعاتی میان دو کشور گسترش یافت. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که تنها نگرانیهای مشترک ایران و اسرائیل نبود که این دو کشور را به یکدیگر نزدیک کرده بود بلکه شاه روی نفوذ اسرائیل در واشنگتن حساب باز کرده بود و بر این باور بود که اسرائیل می تواند در جلب نظر مساعد دولت کندی به وی کمک کند. گفتنی است که در آن زمان دولت کندی انتقادهایی نسبت به حکومت شاه داشت. علی رغم اینکه مردم ایران به خاطر نكسه ۱۹۶۷ میلادی، اسرائیل را محکوم کردند، اما شاه که پیروزی اسرائیل بر ارتش مصر، سوریه و اردن را دیده بود، به تعمیق روابط با اسرائیل همت گماشت؛ زیرا او بر این باور بود که جایگاه در حال صعود اسرائیل می تواند جایگاه ایران به عنوان مهمترین قدرت منطقه ای ارتقا دهد^(۱).

همچنین دو کشور همکاری اقتصادی مخصوصا در زمینه انرژی را نیز تقویت کردند و همکاری میان دو کشور به توسعه سیستمهای پیشرفته موشکی و قراردادهای محرمانه نیز رسید. و اینگونه بود که رابطه خوب نظام شاه با اسرائیل و سکولار بودن حکومت شاه زمینه مناسبی را برای بقای یهودیان در ایران مهیا ساخت؛ به ویژه اینکه بسیاری از یهودیان ایرانی به ایران به عنوان کشور دوم خود بعد از اسرائیل می نگریستند. اما بعد از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، رابطه تهران و تل آویو دگرگون شد. سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب، بسیار حماسی و ایدئولوژی گرا بود. از این رو، انقلابیون سرنگونی شاه را تنها هدف خود ندانستند بلکه آن را گامی نخست برای «آزادسازی» خاورمیانه از سلطه امریکا و صهیونیسم جهانی می دانستند. اینگونه بود که گفتمان اسرائیل ستیز قدرت گرفت و اقلیت یهودی در ایران در حکومت ولایت فقیه به طور بی سابقه ای در تنگنا قرار گرفتند.

(۱) Larry Cohler-Esses, How Iran's Jews Survive in Mullahs' World?, The Forward Association, (August ۲۰۱۵, ۱۸), accessed on: ۱۶ Feb ۲۰۲۳, <http://bit.ly/۳K۶Wth۸>

در نتیجه شرایط نامساعد و نگرانیهای روز افزون از افزایش نفوذ روحانیون و شعارهای ضد اسرائیلی، تعدادی از یهودیان که اکثراً تاجر و سرمایه دار بودند و در زمان شاه ارتباطاتی با اسرائیل داشتند از بیم انتقام نظام جدید، بلافاصله بعد از سقوط شاه ایران را ترک کردند.^(۱)

می توان گفت که تا قبل از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹ میلادی، اقلیت یهود مجبور به فرار نشدند حتی آنان که در فاصله ۱۹۴۸ میلادی تا ۱۹۷۹ میلادی به اسرائیل مهاجرت کردند، از روی ناچاری نبود. اما بعد از انقلاب، در ماه می ۱۹۷۹ میلادی، یک تاجر یهودی بنام حبیب القانیان که سرمایه دارترین و پرنفوذترین فرد در جامعه یهودی ایرانیان بود، پس از یک دادگاه نمایشی و خودسرانه و به اتهام ارتباط با دولت اسرائیل و صهیونیسم تیرباران شد. اعدام القانیان در فرار یا مهاجرت گسترده یهودیان از ایران تأثیر به سزایی داشت. در حالیکه قبل از انقلاب، تعداد یهودیان ایران به ۱۰۰,۰۰۰ نفر می رسید، با فرار اکثریت آنان از ایران، اکنون تعداد یهودیان ایران بین ۹ هزار تا ۲۰ نفر است.^(۲)

با این همه، در اوایل دهه هشتاد و در شرایط استثنایی علی رغم دشمنی آشکاری که میان ایران و اسرائیل وجود داشت، منافع مشترک دو کشور، طرفین را به همکاری با یکدیگر سوق داد. در آن زمان ایران حفظ نظام جمهوری اسلامی در اولویت قرار داده بود و اسرائیل نیز به تضعیف نظام عراق همت داشت. در نتیجه، اسرائیل جنگنده های «فانتوم» و سلاحهای دیگری در اختیار ایران قرار داد و در مقابل، خمینی به تعداد زیادی از یهودیان ایران اجازه داد تا ایران را به مقصد ایالات متحده و یا اسرائیل ترک کنند. با این همه، این همکاری که بر اساس قراردادهای و منافع عملگرایانه و به صورت موقت شکل گرفت را نمی توان گویای روابط تهران و تل آویو بعد از انقلاب ۱۹۷۹ میلادی و تصویر گویای رابطه نظام ایران با اقلیت یهود در سایه ولایت فقیه و در سایه دشمنی روزافزون مردم و نظام ایران با اسرائیل دانست. با آغاز تغییرات در سیاست خارجی ایران که با طرحهای بلندپروازانه اسرائیل در تضاد بود، دشمنی میان این دو کشور

(۱) Ibid.

(۲) Austin Bodetti, Persian Jews and an Uneasy Peace in the Islamic Republic of Iran, Ibid.

ریشه دواند و رقابت میان این دو کشور بر روابط، سایه افکند. ایران به کم طرح فرامرزی خود برای مقابله با اشغالگر صهیونیستی، حزب الله را در سال ۱۹۸۲ میلادی در لبنان ایجاد کرد. این گروه بعدها، به بازوی نیابتی و قدرتمند ایران در مرزهای اسرائیل بدل شد. اکنون برنامه توسعه موشکهای بالستیک ایران نگرانی نهادهای امنیتی اسرائیل را برانگیخته است. علاوه بر آن، بلندپروازیهایی هسته ای ایران مهمترین علت دشمنی این دو کشور در طول دو دهه گذشته بوده است. وانگهی، از نگاه اسرائیل در بسیاری از چالشهایی که این کشور در خاورمیانه با آن دست به گریبان است، رد پای نظام ایران و بازوهای نیابتی آن در منطقه در آن دیده می شود. همچنین، اقدام ایران و برخی حکومتهای عربی در حصول توافقنامه های صلح از زمان توافقنامه صلح با مصر در سال ۱۹۷۹ میلادی و توافقنامه های بعد از آن، تغییرات عمده ای در الگوی روابط منطقه ای ایجاد کرد که روزی سبب نزدیکی میان تهران و تل آویو شد^(۱).

و اینگونه بود که با روی کار آمدن نظام جمهوری «اسلامی» در سال ۱۹۷۹ میلادی، اوضاع اقلیت یهودی در ایران کاملاً دگرگون شد. یهودیان ایرانی که قبل از انقلاب حدود صد هزار نفر بودند، اما با پیروزی انقلاب، تعداد زیادی از آنان وادار به ترک وطن و مهاجرت به اسرائیل شدند و عده ای هم ترجیح دادند که در ایران بمانند و امروز جمعیت آنها بین ده هزار تا بیست هزار نفر تخمین زده می شود. می توان گفت که انقلاب ایران یک تغییر عمده در وضعیت یهودیان ایران به همراه داشت که این امر به دو علت باز می گردد: اول، ماهیت ایدئولوژیک نظام است که در آن اغلیت شیعه بر سایر اقلیت های مذهبی و دینی ترجیح داده می شود. و علت دوم، در ماهیت ایدئولوژیک اسرائیل ستیز نظام نهفته است. در نتیجه چنین وضعیتی، اقلیت یهود در ایران به یک اقلیت فرهنگی و جمعیتی بدل گشته است^(۲).

(۱) Dalia Dassa Kaye, Alireza Nader and Parisa Roshan, A Dangerous Rivalry, RAND Corporation, ۲۰۱۱, accessed on: Feb ۲۰۲۳, ۱۹, <http://bit.ly/۳jZ۳pX۳>

(۲) أحمد صلاح، یهود و ایرانیون: الأقلية اليهودية-الفارسية منذ الثورة في إيران وإسرائيل، الشرق الأوسط، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۹م، تاریخ بازدید: ۱۶ فوریه ۲۰۲۳م. <https://fit.۹h/ZXpLTT/>

سوم: بحران اقلیت یهود در سایه ولایت فقیه میان پذیرش، سرکوب و استفاده ابزاری

علی رغم دشمنی میان اسرائیل و ایران که به درگیری و رویارویی در سطح منطقه و جهان منجر شده است، اما نظام ایران همواره تلاش کرده است تا با یهودیان ایران سر ستیز نداشته باشد و اقلیت یهودی در ایران را در این درگیری با اسرائیل وارد نسازد که طرفداری و حمایت چهره های سرشناس یهودیان ایران از نظام جمهوری اسلامی گواه این امر است. خمینی اندکی بعد از اینکه قدرت را در اختیار گرفت با صدور فتوایی اعلام کرد: «یهودیان ایران جامعه اقلیتی هستند که از حمایت کامل نظام اسلامی برخوردارند». او مردم را از هرگونه تعرض به یهودیان منع کرد. از اینجا فهمیده می شود که نظام ایران خواسته است میان صهیونیسم که دشمن سرسخت ایران است و یهودیان ایرانی که سابقه ۲۵۰۰ ساله در ایران دارند، تفاوت قائل شود؛ چرا که یهودیان ایران جزئی لاینفک از جامعه ایران هستند^(۱).

در عین حال، آن عده از اقلیت یهودی که همچنان در ایران باقی مانده اند، همواره تلاش کرده اند تا خود را در درگیریها شریک نکنند و همچنان خود را از شک و تردیدها و ظلم و ستم دور نگهدارند و نگذارند که منافع و دستاوردهایشان به مخاطره افتد. رهبران یهودیان ایرانی رابطه خود را با نظام طوری تقویت کرده اند که از خدمات متقابل یکدیگر بهره مند گشته و دستاوردهای بیشتری کسب نمایند. ایران نیز برای مقابله با ایالات متحده و اسرائیل و برای بهبود چهره بین المللی خود از این اقلیت استفاده ابزاری می کند.

در همین راستا، قانون اساسی که اسلام را دین رسمی کشور می داند، سه دین آسمانی دیگر یعنی «یهودیت، مسیحیت و زرتشتی» را نیز به رسمیت شناخته است^(۲). و از مجموع تمامی اقلیت هایی که در ایران زندگی می کنند، تنها این سه اقلیت حق دارند که در مجلس نماینده داشته باشند^(۳).

(۱) Johanna Afriat, Jews of Iran: a community on borrowed time, IJCNNEWS, (April ۲۰۲۲, ۱۳), accessed on: ۱۶ Feb ۲۰۲۳, <http://bit.ly/۳k۴۹ywU>

(۲) قانون اساسی ایران، اصل ۱۲.

(۳) رانیا مكرم، طموح الأقلیات ومستقبل الدولة في إيران، مجلة الدراسات الإيرانية، (الرياض: المعهد الدولي للدراسات الإيرانية: شماره ششم، سال دوم، ۲۰۱۸م)، ص ۴۲.

و طبق قانون اساسی یهودیان ایران در دوره های متعدد مجلس شورای اسلامی همواره «یک کرسی» مجلس را در اختیار داشته اند^(۱). همچنین می بینیم اقلیت یهودی که در ایران باقی مانده اند، آزادانه به شعایر دینی خود می پردازند. و در کسب مجوز برای ساختن عبادتگاهها، تأسیس انجمنها و نهادهای خیریه در شهرهایی که جمعیت یهود را در خود جای داده است مانند تهران، همدان و اصفهان با هیچ مشکلی روبرو نیستند^(۲). یهودیان تنها در تهران ۱۳ معبد فعال، پنج مدرسه یهودی، دو کودکانستان و یک بیمارستان یهودی ۱۰۰ تخته دارند. آنان همچنین در شهرهای دیگری چون شیراز، اصفهان و کرمانشاه انجمنهای محلی فعال و مؤسسات وابسته به آنها را دارند. اما با این همه باید گفت که زندگی به عنوان شهروند درجه دوم زیر چتر حمایتی نظام اسلامی شیعی مشکلات خاص خود را دارد؛ ظلم و ستمی بر آنان نیست اما محدودیتهایی برای آنان وجود دارد.

ایران همواره تلاش نموده است آنچه را قانون اساسی برای اقلیت ها تضمین کرده، برآورده سازد. این در حالیست که اقلیت عرب، بلوچ و کردهای ایران همچنان از تبعیض و سرکوب رنج می برند و بهائیان که آیین آنها به رسمیت شناخته نشده است، بیش از سایر اقلیت ها مورد ظلم و ستم قرار می گیرند. حتی مسلمانان سنی مذهب که در خاورمیانه اکثریت اما در ایران اقلیت هستند، نیز بر خلاف شیعیان از بسیاری از حقوق خود محرومند. نظام از مشارکت اهل سنت در فعالیتهای سیاسی و اداری و نیز دستیابی آنان به مقام و منصب ممانعت می کند^(۳). علاوه بر آن، آنان در امور عبادی و برگزاری آیینها و شعایر دینی خود با محدودیتهایی روبرو هستند^(۴) و بزرگان اهل سنت از توهین، ترور و بازداشت در امان نیستند^(۵).

(۱) قانون اساسی ایران، اصل ۶۴.

(۲) عبد الجلیل معالی، الزرادشتیة فی ایران.. الأصل الثقافي والتوظيف السياسي، روزنامه العرب، لندن، شماره ۱۷ فوریه، ۲۰۱۶م، ص ۱۲.

(۳) وبسایت الیوم السابع، الكتلة السنّیة فی برلمان ایران تشكو وزیر الداخلية.. و ۱۹ نائباً یوقعون طلب استجوابه، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۸م، تاریخ بازدید: ۲۶ فوریه، ۲۰۲۳م <http://3ycZNjL/ly.bit>

(۴) إدريس لكريني، تدبير التنوع المجتمعي في إيران ووضع السنّة، في مجموعة مؤلفين، السنّة في إيران، الإمارات: مركز المسبار للدراسات والبحوث، ص ۷۰.

(۵) رانيا مكرم، همان، ص ۷۱.

این در حالیست که نظام ایران به یهودیان اجازه می دهد که برای خود عبادتگاههایی بنا کنند. سپاه پاسداران یک نسخه از کتاب تورات قدیم که از قدیمی ترین نسخ خطی جهان بود و از اقلیت یهودی در شیراز به سرقت رفته بود، را به آنان بازگرداند^(۱). این در حالیست که اهل سنت اجازه ندارند در تهران مسجدی بسازند. یهودا گرامی خاضع ارشد یهودیان ایران می گوید: «همه امور بر وفق شریعت در جریان است. عبادتگاهها باز هستند و ما در امور عبادی از آزادی کامل برخورداریم»^(۲).

در زمینه اجتماعی، یهودیان ایرانی ابراز داشته اند که اوضاع آنان بعد از روی کار آمدن دولت حسن روحانی شاهد بهبودی بوده است. او حدود ۴۰۰ هزار دلار به یک بیمارستان یهودی در تهران تخصیص داد. پیش از این، دیه یک مسلمان با دیگر اقلیت های دینی تفاوت زیادی داشت اما اکنون این تفاوت دیه میان مسلمانان و یهودیان برداشته شده است و به یهودی نیز یک دیه کامل تعلق می گیرد^(۳). همچنین رهبران دینی یهودی که دشمنی خود را با صهیونیسم و دولت اسرائیل آشکارا بیان می کنند، در سایه حمایت حکومت ایران از زندگی خوبی برخوردار هستند. علاوه بر آن، یهودیان ایران برخی امتیازات اجتماعی دیگری نیز کسب کرده اند که از جمله آنها می توان به تعطیلی مدارس یهودی در روز شنبه به جای روز جمعه که تعطیلی مسلمانان است، اشاره کرد^(۴).

اما این بدان معنا نیست که اقلیت یهود با تبعیض و طرد شدگی و چالشهایی از جمله نگاه تنگ نظرانه تندروهای متعصب دست به گریبان نیستند. به عنوان نمونه، رابطه یهودیان ایران با نظام در دوره احمدی نژاد تنش آلود شد. زیرا احمدی نژاد در صحت واقعه هولوکاست تردید ایجاد کرد. یهودیان و دیگران در سرتاسر جهان اظهارات او را محکوم کردند. هارون یشایایی که در آن زمان رئیس انجمن یهودیان تهران بود نیز اینگونه اظهارات وی محکوم کرد. موریس معتمد که در آن زمان نماینده اقلیت

(۱) وبسایت شبکه RT، خفايا الجالية اليهودية في إيران، همان.

(۲) شبکه i۲۴، خاضع ایران الرئیسى: «نتمتع بحرية العبادة»، (۱ ژوئن ۲۰۲۲م)، تاریخ بازدید: ۰۱ مارس ۲۰۲۳م، <http://bit.ly/۴۱MsEIT>

(۳) وبسایت شبکه RT، خفايا الأقلية اليهودية في إيران، همان.

(۴) Larry Cohler-Esses, Ibid.

کلیمی در مجلس شورای اسلامی بود، گفت: « انکار این مصیبت تاریخی بزرگ که بر اقلیت یهود رفته است، نوعی اهانت به تمامی یهودیان سرتاسر جهان است». ملاحظه می شود که اقلیت یهودی در مقابل هر گونه تبعیض و ظلمی که به آنان می رود، با صدای بلند فریاد می زنند اما هیچگاه مشروعیت نظام و شریعت و قانون اسلامی را زیر سؤال نمی برند.

علی رغم اینکه هم اکنون محدودیتهای مهاجرت یهودیان برداشته شده است و اسرائیل نیز به هر نفر ۱۰,۰۰۰ دلار و به هر خانواده ۶۱,۰۰۰ دلار کمک می کند، اما یهودیان ایران ترجیح می دهند که در کشور خود بمانند. البته نباید از نظر دور داشت که نظام چندان از کنار مسأله مهاجرت یهودیان ساده نمی گذرد. در سال ۱۹۹۸ میلادی روح الله کدخدا زاده که در مهاجرت غیر قانونی یهودیان دست داشت، به اعدام محکوم شد. و نظام ایران اخیراً سختگیریها را در مورد افرادی که به اسرائیل سفر می کنند افزایش داده است و این افراد ممکن است با مجازاتهایی از قبیل زندان، جریمه نقدی و بازجویی روبرو شوند. در همین زمینه، دو تن از یهودیان به ۹۱ روز حبس محکوم شدند؛ هرچند بعدها این حکم با تخفیف مجازات به ۲۰ روز حبس تقلیل یافت^(۱).

با توجه به اینکه اوضاع اقلیت یهود در ایران با مناسبات ایران و اسرائیل رابطه تنگاتنگی دارد، نظام ایران با پذیرش یهودیان تلاش دارد از آنان در چارچوب تقابل با غرب و اسرائیل استفاده کند. در این زمینه می توان به تلاش نظام به استفاده ابزاری از رهبران یهودیان ایران برای بهبود چهره خود در خارج اشاره کرد. به عنوان مثال، تنها نماینده کلیمی مجلس رئیس جمهور ایران را برای شرکت در نشست سازمان ملل متحد در نیویورک همراهی می کند. که این امر نمونه ای از استفاده ابزاری از اقلیت یهودی برای بهبود چهره ایران در محافل بین المللی است. علاوه بر آن، خاخمهای یهودی ایرانی در سفرهایی که به ایالات متحده و غرب دارند، از وضعیت زندگی خود در ایران ابراز رضایت می کنند^(۲).

(۱) Ibid.

(۲) ایاد جبر، یهود ایران و دوره هم سیاسی، البیان، ۶۰ جولای ۵۱۰۲م، تاریخ بازدید: ۵۰ مارس ۳۲۰۲م،

همچنین نظام ایران در چارچوب درگیریهای بین المللی نیز از اقلیت یهود استفاده می کند. هرگاه ایران با مشکل بین المللی و یا بحران منطقه ای روبرو می شود، دست به دامان خاخمهای یهود می شود تا آنان برای حل بحران با غرب، میانجیگری نمایند^(۱). علاوه بر آن، یهودیان ایران همواره از جامعه بین الملل و غرب خواسته اند که فشارها بر ایران را کاهش دهند. گفته می شود که تعداد زیادی از خاخمهای یهود (۳۳۰ خاخم) با ارسال نامه ای به کنگره امریکا، از همه اعضای کنگره خواستند تا با حمایت از برجام مانع از دستیابی ایران به تسلیحات اتمی شوند و با این کار امنیت امریکا و اسرائیل را نیز تضمین نمایند. و این موضع خاخمها بر خلاف موضع لابی اسرائیلی است که شدیداً با برجام مخالف است^(۲).

خاخمهای ایرانی از طریق روابطی که با جامعه یهودیان خارج از کشور دارند، می توانند تصویر خوبی از نظام ایران ارائه دهند. به عنوان مثال، احمدی نژاد رئیس جمهور پیشین ایران در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۱۲ تن از خاخمهای گروه «ناتورای کارتا» - که گروه ضد صهیونیسم است - دیدار کرد. در این دیدار، خاخمها از رئیس جمهور ایران تمجید کردند. اسرائیل دیوید ویس سخنگوی خاخمها گفت: «رئیس جمهور احمدی نژاد با ملت یهود دشمنی ندارد و چندین هزار کلیمی در ایران بدون هیچ مشکلی زندگی می کنند»^(۳). روزنامه «یدیعوت احرونوت» نیز خبر داده است که خانم اورلی ازولای کتر روزنامه نگار این روزنامه، برای تهیه گزارشی درباره رخدادهای ایران به آنجا سفر نموده و چندین روز را در آنجا سپری کرده است. او در پایان آورده است که ملت ایران یهودیان را دوست دارند و دو کشور روابط دیرینه ای با یکدیگر دارند^(۴). از اینجا فهمیده می شود که خاخمهای ایران در تلطیف فضای روابط نقش به سزایی دارند.

<https://bit.ly/۳ETphWL>

(۱) رای تقیه، ایران الخفیه، ترجمه: ایهم الصباغ، (الریاض: مکتبة العبیکان للنشر، ۲۰۱۰م)، ص ۲۷۶.

(۲) نظیر مجلی، خاخمات اليهود یبعثون برسالة إلى الكونفرس لدعم الاتفاق النووي الإيراني»، الشرق الأوسط،

(۱۹ آگست ۲۰۱۵م)، تاریخ بازدید: ۰۱ مارس ۲۰۲۳م، <http://۳ETLX۹u/ly.bit/>

(۳) وبسایت الجزيرة الإخباری، أحمدی نجاد یلتقی خاخمات یهوداً یعارضون قیام اسرائیل، (۲۶ سپتامبر ۲۰۰۸م)،

تاریخ بازدید: ۰۱ مارس ۲۰۲۳م، <http://۳YlsLbE/ly.bit/>

(۴) وبسایت شبکه عربی ۲۱، صفیة اسرائیلیة زارت ایران: شعب ایران یحب اليهود، (۰۴ آوریل ۲۰۱۵م)، تاریخ

بازدید: ۰۲ مارس ۲۰۲۳م، <http://۳SRmWLB/ly.bit/>

برآیند

بخش مهمی از تاریخ کهن یهود با سرزمین فارس گره خورده است؛ چرا که یهود در بازگشت به قدس و زندگی در آنجا خود را مدیون سرزمین فارس و پادشاه آن کوروش می دانند. علاوه بر آن، ایران از قدیم زیستگاه بزرگترین اقلیت یهود در جهان بوده است. اما با اعلام موجودیت کشور اسرائیل از شمار یهودیان ایران کاسته شد و بعدها، با پیروزی انقلاب ایران و روی کار آمدن نظام دینی در سال ۱۹۷۹ میلادی عده زیادی از یهودیان به اسرائیل و یا ایالات متحده مهاجرت کردند؛ تا جاییکه در نتیجه سیاستهای نظام اسلامی در طول چهل سال گذشته، جمعیت یهودیان به میزان ۹۰ درصد کاهش یافته است.

و پر واضح است که یهودیانی که در ایران باقی مانده اند، همواره تلاش دارند تا در مناسبات خود با نظام، کشورهای خارجی را دخالت ندهند. و همواره تلاش دارند تا مسائل را در چارچوب داخلی حل و فصل کنند. و علی رغم اینکه در سایه تنشهای فزاینده میان تهران و تل آویو، اقلیت یهودی شرایط بسیار حساسی دارد، اما به احتمال زیاد، این رویکرد نگاه به داخل، در کسب دستاوردهای اقلیت کلیمی سهم به سزایی داشته است. با اینکه اقلیت کلیمی باقیمانده در ایران در سایه نظام ولایت فقیه از شرایط خاصی برخوردارند، اما رابطه پر تنش نظام ایران با اسرائیل همواره چالشی برای آنان بوده است. زیرا علی رغم اینکه خانواده های بسیاری از آنان در اسرائیل زندگی می کنند و بسیاری از آنان از طریق یک کشور ثالث به اسرائیل سفر کرده اند، اما همواره باید ثابت کنند که هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارند. و هر قدر تنش میان تهران و تل آویو بیشتر شود و حملات اسرائیل در عمق ایران شدت گیرد، محدودیت ها و نظارتها بر اقلیت یهودی نیز تشدید می شود.

علی رغم اینکه نظام ایرانی تلاش دارد در تعامل با اقلیت یهودی چنین وانمود کند در قبال همه اقلیت های دینی یک سیاست حکیمانه را در پیش گرفته است، اما واقعیت این است که این اقلیت نیز از حقوق کامل شهروندی برخوردار نیستند. و فرزندان این اقلیت دینی نمی توانند به

مقامات عالی در وزارتخانه ها برسند. و حتی مدیران مدارس یهودی نیز باید از میان مسلمانان باشند. علاوه بر آن، شکایتهایی از سوی اقلیت یهودی مطرح است مبنی بر اینکه در مسائل ارث، قصاص، دیه و غیره در مورد غیر مسلمانان نیز احکام اسلامی اجرا می شود.

علی رغم اینکه رفتار نظام با یهودیان داخل ایران تبعیض آمیز است، و آنان همواره موضع اتهام هستند مگر آنکه عکس آن را ثابت کنند، اما نظام توانسته است رهبران یهودیان ایران را به خدمت بگیرد تا آنان در موجه جلوه دادن چهره نظام در داخل نقش میانجی و دیپلماتیک بر عهده گیرند. و این پیام را به جهان برسانند که نظام ایران با همه یهودیان دشمنی ندارد و تنها با صهیونیسم دشمنی دارد. علاوه بر آن، نظام ایران در مسائل پیچیده بین المللی و مخصوصا در پرونده حقوق بشر و بهبود تصویر مخدوش نظام و نیز برای پیشبرد اهداف نظام در پرونده هسته ای در محافل سیاسی غرب و تأثیرگذاری بر گروههای فشار در خارج برای کاهش فشارهای نهادهای بین المللی بر ایران، از یهودیان استفاده ابزاری می کند. و گاهی رهبران یهودیان ایران برای محافظت از آن عده ای که در ایران باقی مانده اند، و برای پاسداری از میراث دینی که در ایران در معرض تهدید است، و یا از بیم سرکوب و قلع و قمع، از روی ناچاری با نظام همکاری می کنند.

